

## مجملی در باره الواح نازله به افتخار خاندان سمندر و نیبلی

دکتر محمود سمندری  
دکتر حمید سمندری

در این بخش از برنامه «دوره سمندر» انجمن ادب و هنر که به یاری دو برادر گرامی، دکتر محمود و دکتر حمید سمندری اجرا شد گزیده‌ای از الواح مبارکه نازله به افتخار آن خاندان جلیل القدر ارائه گردید. سخنان گویندگان از روی نوار صوتی بر روی کاغذ منتقل شده است و ضرورتاً به شیوه تحریر مقالات یا سخنرانی‌های متعارف نیست.

دوستان عزیز، چون صحبت امروز ما در باره نصوص است، آنچه جز نصوص باشد خلاصه کرده کوشش خواهیم کرد بخش‌هایی از الواح نازله خطاب به عائله‌های سمندر و نیبلی را طبق تقسیماتی که کرده‌ایم تلاوت نمائیم بدون اینکه این تقسیم‌بندی جنبه رسمی داشته یا کامل باشد. ما از الواح نازله در مورد مطالب مختلفه در هر مورد یک یا دو نمونه تلاوت خواهیم کرد. نمی‌دانیم دوستان عزیز می‌دانند که یکی از مخاطبین این الواح مبارکه خود در این جمع نشسته‌اند، نه پدرشان و نه مادرشان، بلکه خودشان؛ و یکی دیگر از کسانی که سال‌ها همراه با سایر فضلا دست اندر کار تدوین و انتشار این آثار بوده‌اند ایشان هم در این مجمع نشسته‌اند؛ و همچنین استادانی که اضعاف مضاعف این الواح را بررسی و مطالعه کرده‌اند، آنها هم این جا حضور دارند. با وجود این با اجازه دوستان چند کلمه مقدمه در معرفی این الواح مبارکه ذکر می‌شود.

از جمال مبارک تعداد ۱۸۶ لوح خطاب به حاجی شیخ محمد نیبلی اکبر و شیخ محمد کاظم سمندر و حاجی شیخ محمد علی نیبلی ابن نیبلی (برادر سمندر) و میرزا طرازالله (فرزند سمندر، ایادی امرالله) و سایر فرزندان سمندر و افراد این خاندان و به واسطه جناب سمندر خطاب به دیگر احباب الهی در دو مجموعه استتساخ شده به خط جناب میرزا عبدالحسین ابن سمندر در دست است

که از آن جمله ۱۱ فقره در بغداد عَزَّ نَزول یافته و از آن میان ۸ لوح به خطِّ جمال مبارک و ۳ لوح به خطِّ هیکل میثاق است. الواح صادره از قلم مبارک در ادرنه بالغ بر ۱۰ فقره است که ظاهراً جملگی به خطِّ حضرت عبدالبهاء است. مابقی یعنی ۱۶۵ لوح دیگر در عکا عَزَّ نَزول یافته که حدود ۱۴ فقره آن به خطِّ حضرت عبدالبهاء و بقیه به خطِّ کاتبین مختلف است. نخستین لوح مبارک خطاب به جناب سمندر در سال ۱۸۶۳ م. در بغداد و پس از صعود والدشان با این مطلع «جناب آقا محمد کاظم ملاحظه نمایند. هو المحبوب - جناب میرزا محمد وارد شد و ذکر عروج حمامه معنوی را...» نازل شده و آخرین لوح مبارک با مطلع «هو الله تعالی شأنه العظمة والاقدار - الحمد لله الذی انجز وعده و ارسل الی عبده جواد ما وعده...» در اواخر سال ۱۸۹۰ م. یعنی یک سال و اندی قبل از افول شمس هدی.

حضرت بهاء الله در یکی از الواحی که در اوائل ایام ادرنه به اعزاز شیخ محمد کاظم صدور یافته می فرماید: «... لو یجمع احد ما نزل لک من آیات ربک لیراه کتاباً مهیماً علی الالواح. هذا من فضل ربک. انه یکفیک بالحق. لا اله الا هو العزیز الوهاب...» مضمون بیان مبارک این است که اگر فردی آنچه را که بر تو از آیات نازل شده جمع آوری کند کتاب عظیم و مهیمی مشاهده خواهد کرد. این از فضل و احسان خدای تو است و این فضل تو را بسنده است. هیچ خدائی نیست مگر او که عزیز و بخشنده است. قابل توجه آنکه این مطلب در زمانی بیان گشته که کم تر از ۲۰ لوح به افتخار سمندر نازل شده بود و این بیان مبارک اولاً نمایانگر آن است که همان بیست لوح هم در نظر حق کتابی عظیم است و ثانیاً نشان از خلاقیت کلام الهی و احاطه علمیه مظهر ظهور الهی به وقایع آیه دارد چون قطر این کتاب را که یکی از دو جلد آن است حال ما با چشم ظاهر هم می بینیم. و اینکه فرموده اند که این فضل و موهبت تو را بسنده است، این مطلبی است که خود سمندر بدان واقف بوده است چنانچه در فصل ششم تاریخ خود می نویسد:

«در خصوص توصیه بر محافظت کتب و آثار مخصوصاً الواح مبارکه اولاً نتیجه روزگار و ثمره زندگانی و خزینه و ذخیره و مایه بهجت و شادمانی ما کلمات تامات و الواح مبارکات عالیات بوده و هست و هر گاه مملکتی را فی المثل به این بنده از روی واقع تفویض نمایند راضی نمی شوم که کلمه ای از کلمات عنایت آیات منزوله در باره ام را اگر بخواهند در عوض بدهم بلکه به حرف و اشاره آن عالمی را از روی میل تبدیل نمی نمایم و خزینه خود را بر خزائن جمیع صاحبان خزائن ترجیح می دهم بلکه در عرض یکدیگر نمی دانم و به تمام خزائن ارض آیه ای را برابر نمی بینم و در مشرب محبتین و مذاق عاشقین صحت این مطالب حاجت به دلیل و برهان ندارد...»

و اما از الواح مبارکه حضرت عبدالبهاء خطاب به شیخ محمد کاظم سمندر و عائله ایشان به معنای اعم (این اعم شامل خاندان نبیلی و اشخاصی چون جناب معلم هم می شود) ۱۹۸ لوح در دست است. صدور الواح جمال مبارک به افتخار سمندر قدری قبل از اظهار امر علنی آغاز می شود و تا

اندکی قبل از صعود مبارک ادامه پیدا می‌کند و نزول الواح حضرت عبدالبهاء خطاب به سمندر از آغاز تا انجام دوره میثاق وقفه نیافته. البته باید در نظر داشت که چنان که جناب حاج میرزا حیدر علی در کتاب بهجت الصدور مرقوم داشته‌اند پس از صعود جمال اقدس ابهی قلم پرتوان حضرت عبدالبهاء بی‌وقفه در جریان و قیام و قعود بود و سیل الواح و آثار را در جمیع مدن و قری منتشر می‌ساخت و روح ایمان و ایقان در کالبد مؤمنین می‌دمید و معجزه امر هم همین است که اگر با دقت توجه کنیم آنچه در ۱۵۰ سال اخیر از سعی و کوشش و همت و خدمت در این امر صورت گرفته اثر پنج قلم بیش نیست: قلم حضرت اعلی و جمال ابهی و حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله و همچنین بیت العدل اعظم. این مطالبی که عرض شد از لحاظ کمیت بود. اما از لحاظ کیفیت، تنوع، و عمق مطالبی که در این الواح مندرج است طبعاً به مراتب بیش از حوصله مقال ما است و از این جهت به اشاره‌ای فهرست‌وار به رؤوس اهم این مطالب و نقل این آثار اکتفا می‌شود.

در تقسیم‌بندی این الواح یکی از مطالبی که بیشتر به نظر می‌رسد واقعاً نمونه رهبری و هدایتی است که حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء نشان داده‌اند بدان معنی که در کل امور در وهله اول تشویق و در وهله ثانی تربیت و هدایت و بالاخره پشتیبانی از احباً مورد نظر بوده است. یعنی وقتی این آثار را مطالعه می‌کنیم می‌بینیم که چگونه حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء از بدو امر افرادی را مخاطب می‌فرمودند و در درجات مختلف تربیت فرموده و آنها را برای خدمت به امر حاضر و آماده می‌فرموده‌اند.

مطالب مختلفی که برای هر کدام به عنوان رأس مطلب و موضوع انتخاب کردیم در وهله اول به مناسبت تعداد الواحی است که در آنها به این موضوع اشاره فرموده‌اند و آن موضوع عهد و میثاق است. حضرت بهاءالله در لوحی خطاب به جناب سمندر می‌فرماید:

«... آنچه الیوم محبوب است استقامت بر امرالله است و احدی بر استقامت کبری فائز نمی‌شود مگر به محو اوهام کلها. طوبی لقوی کسر اصنامها. الیوم هیچ امری از امور و هیچ ذکری از اذکار و هیچ وصفی از اوصاف و هیچ کتابی از کتب احدی را کفایت نمی‌نماید الا کتاب المحفوظ و اللوح المسطور الذی ینطق امام الوجوه انه لا اله الا هو المهیمن القیوم. مع آنکه حق جل جلاله و عظم کبریائه به اصبع اراده خرق حجبات بریه را نموده مشاهده می‌شود به حجبات دیگر مبتلا شده‌اند. اهل بیان یعنی نفوسی که از بحر حیوان معرضند چندین مرتبه از اهل فرقان محتجب‌تر دیده می‌شوند، اراده نموده‌اند نور رحمن را به اریاح ظنون و اوهام اطفأ نمایند. اف لهم و لمن اغویهم. لعمر الله جمیع بیان لاجل این ظهور نازل شده و اگر مقصود مشهود نبود کلمه‌ای از آن نازل نمی‌شد. طوبی نفس سمعت تغنیات حمامة الامر علی الاغصان...»

و در لوح دیگری می‌فرماید:

«... یا علی، انشاءالله به عضد ایقان صنم اوهام را بشکنی یعنی به برهان و بیان تمسک نمائی و

شیاطین و معتدین را از عروج منع کنی. آنچه امروز از اعظم اعمال محسوب است استقامت بر امرالله است چه که ناعقین در کمین دوستان محبوب امکان بوده و هستند. از حَقِّ جَلِّ جلاله بخواهید تا حدیقه معانی را از اریاح منتنه کذب و جهل و سموم انفس خناسیه محفوظ دارد. آنه لهو المقتدر القدير. البهاء عليك و على الذين نطقوا بالحق في ايام الله رب العالمين...»

از الواح مبارکه حضرت عبدالبهاء این لوح را که بعداً شأن نزول آن را خدمتتان عرض خواهیم کرد و به اعزاز جناب میرزا طرازالله سمندری نازل شده برایتان تلاوت می‌کنم:

«هو الله - ای احبای باوفای جمال ابهی، چهارصد نفس مبارک از دوستان غرب بالاتفاق این نامه را ارسال نموده‌اند و با یکدیگر عقد اتحاد و اخوت و یگانگی بسته طرح الفت انداخته‌اند و محض تأیید و طلب دعا نزد عبدالبهاء فرستاده‌اند. از عنایت حضرت رحمانیت امیدوارم که بر مضمون نامه موفق گردند؛ ان ربی لعلی کل شیء قدير و بالاجابة جدير. حال احبای رحمان در ایران و توران نیز باید اقتدا به آنان نمایند و با یکدیگر عهد و میثاق نمایند ولی احتیاج به نوشتن نیست. انجمن انجمن نه نه جمع شوند و با یکدیگر عهد و میثاق نمایند که کل با هم در جمیع امور وارده چه راحت و چه زحمت شریک و سهم باشند. ضرر هر یک ضرر کل، خیر هر یک خیر کل. نفسی در حق نفسی دیگر کلمه‌ای جز خیر تفوه ننماید و ابدأ بدگویی نکند و اگر قصوری یافت عفو و سماح فرماید و معامله بالعکس کند و در حق جمیع ملل عالم جز خیر نخواهد و در هر مملکت که زیست کند به حکومت آن سامان در نهایت صدق و اطاعت و خیرخواهی و امانت حرکت نماید. دوستان را خادم صادق باشد. دشمنان را خیرخواه موافق گردد. در محبت الله ثابت و راسخ باشد و در سبیل جمال ابهی جان فدا نماید و در نزول بلا خوشنود و صابر گردد و از هیچ مصیبتی فتور نیارد و به تبلیغ امرالله به قدر امکان بکوشد و در ارض اقدس هر بلا و اضطرابی واقع گردد ابدأ تفاوت در حال او حاصل نشود بلکه روشن تر و شعله‌ور شود و اگر عبدالبهاء بر فراز دار رود و یا در قعر دریا مقرر یابد و یا در صحرای بی پایان بی نام و نشان گردد ابدأ فتور نیارد و قصور نکند بلکه چون شمع برافروزد و چنان آهنگی خوش در ذکر جمال ابهی برافرازد که اهل ملأ اعلی را به سرور آرد. ع.ع.»

در حاشیه این لوح مبارک جناب سمندری نوشته‌اند: «این لوح مبارک هم در سنه ۱۳۲۳ سفر ثالث بنده عطا شد، به خط و خاتم مبارک مختوم که در جمیع بلاد به زیارت احبای مشرف شده قرائت نمائیم و کل را به مفاد بیانات مبارکه دلالت و تشویق کنیم و متحداً متفقاً منجذباً به جانفشانی در سبیل محبت الهی پردازیم و امر بود سواد هم نشود.» این لوح علاوه بر مضمون، نمونه‌ای از طرز هدایت حضرت عبدالبهاء است که چگونه مانند یک سردار لشکر از ابتکار یک جناح استفاده می‌کنند و این را به همه جهات منعکس می‌فرمایند و همه سپاه را به سوی هدف اصلی سوق می‌دهند و معنای عهد و میثاق هم که در این جا بیان شده از لحاظ اخلاقی نیز مطالب زیبایی دارد.

قسمت دیگری که از لحاظ تاریخی جالب توجه و از لحاظ نحوه بیان حضرت عبدالبهاء بسیار زیبا است در ماجرای سید جمال بروجردی است که همان طور که می‌دانید وی باعث دردسر فراوانی شده بود و چون این موضوع مربوط به عهد و میثاق است آن را برایتان تلاوت می‌کنیم:

«هو الابهی الابهی - ای اماء رحمن، بادهای مخالف شمع پیمان را احاطه کرده و طیور غرور عندلیب گلشن میثاق را احاطه نموده. ستمکاران دست تطاول گشوده و جفاکاران چون غراب کین در کمین نشسته. کشتی پیمان را امواج طغیان هجوم نموده و هیكل عهد را صبیان مهد از هر جهت لسان طعن گشوده. تیرهای افترا است که از هر سو پُران و لشگر اعتساف است که از هر جهت در ظلم و عدوان. کار به جایی رسیده که پیر گفتار لسان افترا گشوده و اوراق شبهات نشر نموده و نسبت به این عبد اقوالی افترا زده که اگر نفسی ذره‌ای شعور داشته باشد فریاد برآرد: سبحانک هذا بهتان عظیم...»

بعد توضیحاتی در مورد وضع این ماجرا می‌فرمایند تا به این قسمت آخر می‌رسند:

«... این شخص هرچند تا به حال ردّاً علی مرکز الميثاق رسائلی چند نشر نموده ولی این عبد تا به حال کلمه‌ای در حقّ او نگاشته، اما چون این ایام اوراقی افترائیه از او مطبوع به این ارض رسیده ملاحظه شد اگر سکوت شود شاید بعضی نادانان گمان صدق کنند و در افتتان شدید افتند. شمائل آن بی‌حیا را که در فتوغراف است دقت کنید، ملاحظه نمایند که در این چشم دریده ابداً اثر حیا هست؛ لا والله تا واضح شود تعرفون المجرمون بسیماهم...»

مطلب اول در مورد عهد و میثاق بود. فهرست مطالب دیگر را هم حضورتان عرض می‌کنم. مطالبی که انتخاب شده به طور کلی در مورد ۲- تبلیغ، ۳- رعایت حکمت، ۴- محبت و اتحاد، ۵- تعلیم و تربیت، ۶- اماء رحمان و ترقی نسوان، ۷- بررسی و تجزیه و تحلیل اوضاع دنیا و مسائل سیاسی است. در مورد تبلیغ حضرت بهاء‌الله در لوحی خطاب به جناب سمندر می‌فرمایند: «... ان اجعل همّک تبلیغ امر مولاک، تالله هذا افضل الاعمال فی کتاب مبین، لیجدنّ الناس هذا العرف الذی به جدّد العالم و تحزک کلّ عظم رمیم...» یعنی همّت را بر تبلیغ امر مولای خود بگذار، برای آنکه این امر افضل اعمال است در کتاب مبین. و در لوح دیگری می‌فرمایند:

«... ای دوستان، سعی نمایند که مطلع فیوضات ربّانیه شوید یعنی به آدابی ظاهر شوید که لدی الحقّ محبوب و ممدوح است تا کلّ از اعمال و افعال و اخلاق شما متبّه شوند و به شطر دوست توجه نمایند. در اکثر الواح نازل که نصرت حقّ به اعمال طیبیه و افعال حسنه و اخلاق مرضیه بوده و خواهد بود. ان اجهدوا فیما امرتم به فی الکتاب، تالله به یتفتح انفسکم و من فی العالم. کذلک ینصحکم المظلوم کما نصحکم من قبل، یشهد بذلک کلّ عالم خبیر...»

اینکه تبلیغ به اعمال است از بیانات حضرت بهاءالله در این لوح جناب سمندر بوده. همین طور حضرت عبدالبهاء در لوحی خطاب به جناب طرازالله سمندری می‌فرماید: «... الیوم اعظم مواهب استقامت بر امر پروردگار است و سعی در نشر نفعات الله. الحمد لله شما به هر دو موفق. طوبی لک من هذا الفضل العظیم، بشری لک من هذا الفیض المبین...» این در رابطه با مطلب قبل خیلی جالب توجه است که در این جمله هر دو را ذکر می‌فرماید: اول استقامت بر عهد و میثاق و ثانی نشر نفعات الله. در ابتدا وقتی که پایه حفظ و صیانت جامعه گذارده شد طبعاً اولین مسأله بعد از آن مسأله تبلیغ و نشر نفعات الله است که اهمیّت تام دارد. و در لوح دیگری خطاب به جناب سمندر می‌فرماید:

«... الیوم هر مقصدی جز این مقصد جلیل عبث و هر سعی و کوششی جز در این سیل بی ثمر. این مقصد الیوم موفق است. هر نفسی بر این امر قیام نماید، یعنی تبلیغ امرالله، قسم به جمال قدم که تأییدات الهی را چون امواج بحار مشاهده نماید و توفیقات رحمانیه را چون آفتاب آشکار. پس ای طیر ناری، شعله‌ای از نار موقده محبت الله بر کبد آفاق زن و شراره‌ای از لمعه طور و شعله نور بر قلب امکان. بعد از احتجاب ابصار از مشاهده آن وجه پرانوار صبر و قرار مشکور نه، و به امر دیگر ولو جوهر توحید باشد مشغولیت ممدوح نیست...»

مطلب بعدی در مورد رعایت حکمت است. موضوع رعایت حکمت ده‌ها بار در الواح مختلفه ذکر شده. در لوحی می‌فرماید:

«... انشاءالله به کمال روح و ریحان در هوای محبت رحمن طایر باشند و به حکمت ناظر، چه اگر معاندین و مشرکین که سکر غرور ایشان را از نفعات ایام منع نموده صوت اجنحه مقبلین را که در هوای محبت رب العالمین پرواز می‌نمایند استماع نمایند نفاق مرتفع گردد و ناعق به صد هزار حیل ظاهر شود. در عراق به یکی از دوستان یعنی جناب حاجی میرزا موسی علیه رحمتی و عنایتی فقره‌ای نازل. مضمون آن این است: اگر بحور سرور در محبت و عرفان الهی بیاشامی باید در لب‌هایت اثر تری ظاهر نشود، چه که ناس ادراک مقامات عالیه را مره واحده ننموده و نخواهند نمود. پس باید احتیای الهی به حکمت ظاهر شوند و به قدر و اندازه به احیای نفوس مشغول گردند. در هر حال حکمت از اعظم احکام الهی است در کتاب. طوبی لمن تمسک بها و عمل بما امر به من لدن علیم حکیم...»

بعد از زیارت الواح متعدده در مورد رعایت حکمت این سؤال برای بنده مطرح شد که چرا این قدر تأکید در مورد رعایت حکمت بوده. یکی از نظرهایی که به فکر بنده رسید این بود که شاید رعایت حکمت نمی‌شده که تا آن قدر تأکید در رعایت حکمت می‌فرمایند، ولی جوابش را در لوح دیگری مرقوم فرموده‌اند: «... الله الحمد فائزى به عنایات مخصوصه و متذکری به آیات منزله. آنچه ذکر شد مقصود تذکر و آگاهی بود والا آن جناب لازال علی قدر مقدور ملاحظه حکمت را نموده و

می‌نمایند...» بدین ترتیب متوجه شدیم که به مناسبت عدم رعایت حکمت نبوده که تأکید شدید می‌فرمایند.

مسئله دیگری که بسیار در آثار و الواحی که در این جا محلّ بررسی است بیان شده مسئله اتحاد و اتفاق است که البتّه به فرموده حضرت عزیز ولیّ امرالله قطب و محور (کلمه pivot را استفاده می‌فرمایند) تعالیم الهی در این دوره است. طبعاً در این مورد مطالب بسیاری ذکر شده که یک قسمت از حضرت بهاءالله و یک قسمت از حضرت عبدالبهاء برای شما تلاوت می‌کنم: «... یا سمندر، امروز روز اتفاق و اتحاد و روز عمل پاک است. از حقّ بطلب اولیاء خود را نصرت نماید و مقدّس دارد از آنچه که سبب توقّف و اضطراب است. عمل پاک بنفسه نّمّام است؛ عرفش عباد را به افق اعلی راه نماید و هدایت کند...» و از حضرت عبدالبهاء لوحی است خطاب به جناب سمندر و جناب حکیم‌باشی هر دو و این لوح محرمانه فرستاده شده و حاکی از مسائل و مصائبی است که جامعه امر در آن زمان با آن دست به گریبان بوده است. این لوح مبارک را که کوتاه است تلاوت می‌نمایم چون بی‌نهایت از نظر مأموریت‌هایی که حضرت عبدالبهاء به این اکابر مؤمنین در آن زمان ارجاع می‌فرمودند جالب توجه است:

«هوالله - ای دو نفس مبارک، در این ایام حوادثی می‌رسد که به کلّی عبدالبهاء را اسیر فراش نموده و تب عصبی اشتداد یافته و از کثرت فکر مرض سهر عارض شده. در طهران مشکل شتی حاصل؛ عبدالبهاء در حلّ آن حیران بود که امروز تازه معلوم شده که در بین اعضاء محفل روحانی نیز نهایت اختلاف موجود و این به کلّی بنیان امر را متلاشی خواهد نمود و حزب یحیی را قوت خواهد داد. لهذا شما به کمال سرعت به طهران روید و به هر نوع است اعضای محفل روحانی را صلح دهید و الاّ به کلّی امرالله مضمحل گردد، جمیع زحمات و صدمات و بلایا و سجن جمال قدم در خاطر نمانده، عوض آنکه شب و روز به جانفشانی قیام نمائیم به هواهای دیگر افتاده‌ایم. تبلیغ به کلّی نسیاً منسیاً شده، چیزی که زیاد گشته مکالمات و مباحثات بی‌نتیجه. باری، این عبد در حالت تب این نامه نگارد و حال بعد از سفر سه سال در کوه و صحرا و دریا به امید حسن ختام حیات رو به سجن اعظم می‌رود که شاید آنچه نهایت آرزوی دل و جان است حاصل گردد. جمال قدم در حال مسجونی صعود فرمودند. چقدر انسان بی‌وفا و پرجفا باشد که راضی شود در حالت آزادی به جهان دیگر شتابد. باری، به زودی دریابید که کار بسیار مشکل گشته و عن قریب نتایج بسیار مضرّه حاصل خواهد شد. حضرات در طهران ابدأ ملتفت نیستند. اعدا در کمین و به جمیع وسائل در اطفای سراج الهی جاهد. یحیائی‌ها تازه [ت] را با چند نفر به امریکا فرستاده‌اند تا در امرالله در آن جا رخنه نمایند و حضرات احباب به نزاع و جدال با یکدیگر مشغول. دیگر معلوم است که نتیجه چه خواهد شد. و علیکما البهء الابهی. عبدالبهاء عبّاس.»

البتّه این نشان می‌دهد که کارهایی که الآن انجام می‌شود سابقه طولانی دارد و از قدیم هم رایج بوده. مطلب دیگری که حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء در باره آن تأکید شدید می‌فرمایند مسئله

تعلیم و تربیت است و طبعاً با جناب معلّم و همچنین مدارس بنات و ذکور که در قزوین تأسیس شده بود مربوط است. چون تعداد زیادی از این الواح خطاب به بانوان و نسوان خانواده است طبعاً تأکید زیاد در مورد امر تعلیم و تربیت است و در لوحی حضرت بهاءالله خطاب به سمندر می‌فرمایند:

«... یا سمندر، معلّم فائز شده است به آنچه که اکثری از ناس از ادراک آن عاجز و قاصرند. ان ربّک هو العلیم الخیر. انشاءالله باید اطفال کمال جهد را در تحصیل علم و خطّ مبذول دارند. آنچه ارسال شد به نظر فائز. از حقّ می‌طلبیم استعداد عنایت فرماید تا صنع خطّ را کامل نمایند. اگرچه خطّ به قدری که رفع ضرورت نماید از برای بعضی کافی است، اگر وقت را در علوم نافعه صرف نمایند اولی و انساب است و لکن چون حقّ جلّ جلاله هر صنعی اکمل آن را دوست داشته لذا از قلم اعلی جاری شد آنچه شد...»

اما از حضرت عبداله‌لوح بسیار زیبایی خطاب به طرازیه خانم سمندری (همسر جناب میرزا طرازالله سمندری) موجود است که در زمانی که جناب میرزا طرازالله به اسفار تبلیغی مشغول بودند و مشارالیه‌ها در قزوین به خدمات مهمّ تعلیم و تربیت اشتغال داشتند نازل شده. قسمتی از آن را تلاوت می‌کنم:

«هو الله - ای ورقه رحمانیه، نامه تو رسید و عجز و نیازت در آستان جمال مبارک روحی لاجبائّه الفداء مقبول گردید. الطاف بی‌پایان از هر جهت شامل حال تو گردد و عون و عنایت حضرت رحمان در حقّ تو کامل شد. به خدمتی که قیام نمودی مقبول است زیرا در دبستان بنات ادیب محبّت الله شدی و درس مقامات توحید می‌دهی. البتّه موفق خواهی گشت و خاتمه اعمال فاتحه الالطاف خواهد شد. حضرت طراز را به شرق و غرب و شمال و جنوب فرستادم. در هر اقلیم نغمه و آواز بلند کرد و چنان گلبانگی زد و شهنازی بلند نمود که نفوس را به استقامت بر امر مبارک دمساز کرد و همراز نمود...»

الواح مفصله دیگری هم در باره اماء رحمن و فعّالیّت نسوان در امر تبلیغ وجود دارد. حضرت عبداله‌لوح می‌فرمایند:

«... ای اماء رحمن، درگاه احدیّت را کنیزان عزیزید و جمال رحمانی را منجذب و وله و شورانگیز. پس شب و روز بکوشید تا در محافل اماء رحمن آیت توحید ترتیل نمائید و سائر نساء را بر این معین حیوان وارد کنید. من در حقّ شما دعا نمایم و از فضل و موهبت الهیه طلب عون و عنایت کنم. امیدوارم که دم به دم شعله بیشتر زیند و آناً فاناً ترقّی بیشتر نمائید...»

حضرت عبداله‌لوح در لوحی دیگر ضمناً اماء الرّحمن را راهنمایی می‌فرمایند که خود را برای تبلیغ و ارائه برهان آماده نمایند. مقدمه این لوح این است که در آن زمان در جامعه غیربهای ایران نهضتی در باره رفع حجاب به وجود آمده بود و حضرت عبداله‌لوح به جامعه بهائی توصیه می‌فرمایند که



خودشان را در این بحث و ماجرا وارد نمایند و در لوحی خطاب به والده آقا میرزا منیر می‌فرمایند:

«... یا امة الله، نامه‌ای که به حضرت ورقة العلیا مرقوم نموده بودید ملاحظه شد. در مسأله عدم حجاب بین اماء الرحمن کسی نزد من ذکر نمی‌نموده ولی مسموع شد که در میان احباب بعضی اوقات مذاکرات در این خصوص می‌شود ولی مذاکرات مجمل و در این مسأله اختلاف دارند، همین قدر. و اما مسأله درس تبلیغ بسیار موافق است. البتّه باید نساء مطلع بر دلائل و براهین الهی گردند و واقف بر احکام کتاب اقدس تا بتوانند نساء دیگر را به معین حیوان برسانند. حتّی جناب میرزا منیر از من استیذان کرد در این خصوص و من جواب نوشتم که بسیار موافق. البتّه این مجلس را در نهایت انتظام مجری دارید تا به اندک زمانی معلّمه‌ها و مبلّغه‌ها از این مجلس پیدا شوند. عموم ورقات را که تحصیل درس تبلیغ می‌کنند تحیت ابدع ابهی ابلاغ دارید...»

یکی از مطالب دیگری که حضرت عبدالبهاء به آن اشاره فرموده‌اند موضوع سیاست دنیا است و تجزیه و تحلیل بسیار زیبایی از انقلاب بلشویکی روسیه. در لوحی می‌فرمایند:

«... در این ایام در اروپا علی‌الخصوص بلاد روسیه حزب دیمقراط بنای افراط گذاشتند و سوسیالیست متطرّف شدند و بلشویک متعسف گشتند. حال از آزادی گذشتند و به ائتلاف نفوس و سلب اموال جمهور و تسلّط بر عقّت و عصمت نساء طیب و طاهر متجاسر گشتند و ثابت و واضح شد که این قوم در بدایت دیمقراطند و در وسط سوسیالیست پرافراط و عاقبت نهلیست و بلشویک بی‌انصاف. امید چنان است که این نفوس را خدا هدایت نماید و از افراط و تفریط نجات دهد. دیمقراط حقیقی نفوسی هستند که آزادی جهانیان طلبند و به حرّیت مشروعه تشبّث نمایند و تأسیس حکومت مشروطه نمایند و جمیع من علی الارض را خیر خواهند. امیدوارم که طریق اعتدال پیش گیرند و درندگی رهاکنند. آسودگی جویند و آزادگی مشروع طلبند...»

بعد اشاره به همین نهضت در ایران نموده و راهنمایی می‌فرمایند:

«... با این نفوس موجوده در ایران جدال و نزاع ننمائید. اگر ممکن است آنان را به حقیقت دعوت نمائید که ای آزادی‌طلب، این حرّیت مظنونّه شما مربوطیّت به سلاسل و اغلال است؛ بند است نه آزادی؛ کند و زنجیر است نه همت و بزرگواری؛ ظلمت زندان است نه نورانیّت ایوان. فسوف يظهر الله السیّئات و نرجوان یبدلها بالحسنات...»

الواحی که تا به حال زیارت شد مطالب عمومیّه بود که حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء از طریق این آثار و الواح به طور کلیّی برای راهنمایی و هدایت جامعه، خطاب به این عائله نازل فرموده‌اند. علاوه بر این تعداد زیادی لوح در ابراز عنایت و لطف و مرحمت نسبت به این خاندان نازل شده که به یکی دو مورد آن بعداً اشاره خواهد شد. همین طور اعزام جناب سمندر و جناب میرزا منیر و جناب نبیل ابن نبیل و بالاخره جناب میرزا طراز‌الله برای مأموریت‌های مختلف چه برای

نوشتن جواب ردّیه و چه برای امر تبلیغ و چه برای تشویق اجّباء به ثبوت و رسوخ بر عهد و میثاق و برای تشکیل مجالس وحدت و اتحاد و حتّی دستورات خصوصی. فی المثل در مورد تبلیغ ایلات که جناب سمندر را مأموریت می دهند، که معرّف عنایت و اطمینان هیکل مبارک نسبت به این خادمان درگاه خود بوده است. از نمونه الواحی که در مورد ابراز لطف و مرحمت نسبت به خانواده نازل شده حضرت بهاء الله در لوحی خطاب به نبیل ابن نبیل می فرمایند:

«... مظلومیّت سبب حزن طائفین عرش اعظم گشته. قسم به نیر افق معانی که از این مظلومیّت آثار قدرت و عزّت در ابداع ظاهر خواهد شد. انّ ربّک لهو المبین العلیم. نفّسی که لحبّ الله از نفسی برآید در عالم اثر عظیم داشته و دارد تا چه رسد به بلایا و رزایی که فی سبیل الله بر نفسی وارد شود. ان افرح بما ورد علیک فی سبیل المحبوب. انّ اجره یقی بدوام الملک و الملکوت. یشهد بذلک من عنده لوح محفوظ...»

و بالاخره حضرت عبدالبهاء در لوحی خطاب به جناب سمندر می فرمایند:

«هو الله - یا سمندر النّار الموقدة فی سدرة السّیناء، مصائب آن حضرت بی حدّ و حصر و مشقّات آن جناب بی نهایت ولی حکمت این محنت و بلایا این است که باید با عبدالبهاء در کلّ مصائب و رزایا و باسء و ضراء شریک و سهیم باشی نه اینکه من در آتش بگدازم و یاران مستریح باشند. اگرچه منتها آرزوی من این است که من بسوزم و یاران راحت نمایند؛ من بنالم و آنان بیالند؛ من در کمال مشقّت و تعب باشم و آنان در نهایت سرور و فرح، ولی این غوائل و متاعب شما محض شرکت با عبدالبهاء است. پس حمد و شکر نما که شریک و سهیمی و امیدواریم که به عون و عنایت حقّ اسباب آسایش و راحت حاصل گردد. ع.ع.»

برای مسک الختام دو یا سه قسمت از این آثار را که واقعاً زیبایی سبک نگارش و بیان حضرت عبدالبهاء را علاوه بر آنچه تا به حال زیارت کرده ایم نشان می دهد تلاوت می کنم: یکی لوح بسیار کوتاهی است که در آن شعری نقل شده که در این شعر واقعاً معنای جدیدی دمیده اند. می فرمایند:

«هو - ای حضرت سمندر، نامه جانپرور ولو مختصر بود ولی پراثر بود. لهذا به درگاه جلیل اکبر تضرّع مفصل شد. امیدوارم که نهایت آرزو حصول پذیرد. در هر صورت حصول خواهد یافت. گر شب هجران مرا تاختن آرد اجل روز قیامت زخم خیمه به پهلوی دوست فرصت بیش از این نه. ع.ع.»

در لوح دیگری خطاب به جناب معلّم می فرمایند:

«... جناب معلّم را تحیت ابداع ابهی برسان. در شهرهای امریک و این واپور سلتیک آهنگ و نغمات اهل طرب به اوج اعلی می رسد. هر شب و صبح الحان و ترانه است که از خوانندگان و

سازندگان کشتی به مسامح حاضران می‌رسد، ولی هیچ آهنگی مانند نغمه جناب معلّم و آواز ساز ایشان مفرّح نیست. هر کسی آن را شنیده این آهنگ را صدای کلنگ شمرد زیرا آن نغمه و آواز از دلی پر عجز و نیاز بلند می‌شود...»

و بالاخره در عریضه‌ای که به حضور حضرت عبدالبهاء ارسال شده از محتوای عریضه این طور به نظر می‌رسد که اسامی تعدادی از اجنبای تازه تصدیق را حضور آن حضرت ارسال داشته‌اند و طبعاً اینها نفوسی هستند که تا به حال رابطه‌ای با حضرت عبدالبهاء نداشته و فقط اسامی آنان به حضور فرستاده شده بوده است. حال ملاحظه می‌فرمائید که با این اسامی حضرت عبدالبهاء چه می‌فرمایند:

«... امیدم چنان است که جناب مستوفی تأیید کافی و وافی یابد و جناب مستشار سراج انوار شود و جناب نقاش از شدت محبت الله به ارتعاش آید و جناب آقا محمد سرچاهی به اوج ماه رسد و سادات حصارى انتصارى عظیم یابند و جناب نایب اصغر شیدائی جلیل اکبر گردد و جناب آقا عبدالحسین یزدی از فیض مشرقین بهره و نصیب گیرد و جناب آقا ملا محمد صادق شمعی بارق شود و جناب آقا مشهدی علی مظهر فیض جلی گردد و به نفوسی که تازه به شاطی بحر عرفان رسیدند، رحمانی گشتند، ربّانی شدند، سبحانی گشتند، آسمانی شدند نهایت محبت و تعلق قلبی عبدالبهاء برسانید. آرزوی دل چنان است که به هر یک نامه مخصوص مرقوم گردد ولی اگر هر جزئی از عبدالبهاء هزار جزء شود و به تحریر پردازد از عهده برنیاید، لهذا به جان و دل با هر یک مخابره می‌نمایم...»

و بالاخره آخرین مطلب: چون تعداد زیادی از این الواح خطاب به افراد مختلف خاندان بوده و حضرت بهاء الله به کزات و مزات از اصطلاح «الولد سرّ ایّه» استفاده فرموده‌اند (مثلاً خطاب به جناب سمندر و یا در مورد آقا میرزا طراز الله و میرزا عبدالحسین و بقیّه افراد این عائله) این اصطلاح در زمان ما هم با شهادت بهمن سمندری در طهران - ایران، سال ۱۹۹۲ م. تحقیق یافت. مهندس عزیزالله سمندری (پدر بهمن) به مناسبت صعود در نقطه مهاجرتی (ازمیر - ترکته، به سال ۱۹۵۵ م.) به مقام شهادت رسید. بهمن این مقام را به مرحله اعلائی برد و به معنای «الولد سرّ ایّه» رسید که ذکرش می‌تواند مسک الختام برنامه ما باشد.

### یادداشت

۱- شیخ محمد کاظم سمندر، تاریخ سمندر مندرج در تاریخ سمندر و ملحقات (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۳۱ ب.)، ص ۱۴۶.

